

مدیر با بصیرت

● دکتر حیدر تورانی

دارد، زیرا آنچه از طریق ابزارها و منابع شناختی به دست می‌آید، همچون دانایی و دانش به‌عنوان مقدمه، می‌تواند به بصیرت‌بخشی و روشننگری کمک کند، ولی آنچه به آدمی کمک می‌کند تا اهل بصیرت شود، عقل است.

تنها سواد و علم‌اندوزی نمی‌تواند تکیه‌گاه و سرمایه بصیرت باشد. چه بسیار افرادی که سواد ندارند، ولی عقل دارند. سواد ندارند، ولی فکر می‌کنند و بصیرت دارند و از بلوغ اجتماعی بالایی برخوردارند. و برعکس، افرادی هستند که با وجود داشتن علم و سواد بالا، از عقل و بصیرت بی‌نصیب‌اند. انس با قرآن و فراگرفتن تعالیم قرآنی و آراء و اندیشه‌های ائمه معصوم علیهم‌السلام و نیز تعقل و تقوای الهی پیشه‌کردن و نفس را از آلودگی پاک‌کردن، فضیلت را جایگزین رذیلت می‌کند و سیر و طریق بصیرت را می‌گشاید.

با این وصف، همه مدیران و رهبران سازمان‌ها با افراد بسیاری به‌عنوان مشتریان و مردم سروکار دارند، اما گستره مواجهه رهبران و مدیران آموزشی با انسان‌ها بسیار بیشتر، پیچیده‌تر و چشمگیرتر است. لذا داشتن بصیرت و تعقل در امور ضروری و حیاتی است. با توجه به شرایط پیچیده و حساس دنیای امروز، انتظار می‌رود مدیران و رهبران سازمان‌ها از جمله مدارس، برای هدایت و راهنمایی کارکنان از بینش، انگیزه و تعقل عمیق برخوردار باشند. بنابراین، آنچه در عرصه مدیریت بیش از دانش و اطلاعات و آگاهی به کار می‌آید، بصیرت و عقل‌ورزی است.

سازمان‌ها و مدرسه‌هایی که عقلایی و باانگیزه‌اند و مدیریت و منابع انسانی آن‌ها با عقلانیت و خردورزی کار می‌کنند، سازمان یا مدرسه بصیر نامیده می‌شوند. این بدین معنی است که تصمیم‌ها به دور از احساسات و نبالغی‌ها، بلکه با اندیشه و خرد جمعی و تحقیقات جنبی گرفته می‌شوند. کارکنان آن در فرایندی منطقی و تعریف‌شده، در عقل هم شریک می‌شوند تا بدین وسیله بتوانند به دور از منافع شخصی، حزبی و گروهی، برای رضای خداوند و منافع جامعه و مردم عمل کنند. بنابراین تأکید می‌شود بصیرت‌خواهی، عقل‌ورزی و شعور به‌عنوان راهبردهای رهبری و مدیریت تلقی شوند تا بدین وسیله جلوی شکاف‌ها برای ورود شور و احساس غیرمنطقی و غیرعقلانی بسته شود. بدیهی است در چنین وضعیتی اقبال و اعتماد مردم به رهبران و مدیران بیش از پیش خواهد شد.

بصیرت نوعی دید درونی و نیروی قلبی است که به مدد آن می‌توان حقیقت و باطن امور را دریافت. انسان بصیر قادر است درست را از نادرست و حق را از باطل تشخیص دهد و بدین وسیله از افتادن در پرتگاه‌ها و لغزشگاه‌ها در امان بماند. اهل بصیرت کسانی هستند که میان حقیقت‌ها و واقعیت‌ها به دوری می‌نشینند و آنچه را از طریق نشانه‌ها به دست آورده‌اند، با فهم دقیق می‌سنجند، تا اگر واقعیتی با حقیقتی هم‌خوان و سازگار نبود، در تغییر آن بکوشند و اگر هماهنگ و سازوار بود، در تثبیت آن تلاش کنند. بصیرت صرفاً موضوعی فردی یا شخصی نیست، بلکه بصیرت سازمانی، همچون یادگیری سازمانی، که مدرسه را سازمانی یادگیرنده می‌داند، قادر است مدرسه را به سازمانی بصیر تبدیل کند؛ به نحوی که مدیریت و رهبری و بدنه کارشناسی آن، تصمیم‌های خرد و کلان سازمانی خویش را با بصیرت و عقلانیت بگیرد. بصیرت نوعی دید درونی است که با دید چشم ظاهری متفاوت است و اساساً با چشم یا اندام‌های ظاهری بدن قابل دریافت نیست. بصیرت قوه و نیروی قلبی است که به مدد نور الهی پدید می‌آید و حقیقت و باطن امور را - چنانکه هست - در می‌یابد. انسان، با دید بصیرت، به‌آسانی درست را از نادرست و حق را از باطل تشخیص می‌دهد. اهل بصیرت با امداد نیروی خدادادی می‌شنوند، می‌اندیشند، نگاه می‌کنند، می‌بینند و از عبرت‌ها بهره می‌گیرند. آنگاه راه‌های روشنی را می‌پیمایند و بدین ترتیب از افتادن در پرتگاه‌ها و لغزشگاه‌ها در امان می‌مانند. بصیرت به معنای درک عمیق است که ابزاری برای شناخت حق و برون‌رفت از چالش‌هاست. امروزه در روان‌شناسی ثابت شده است که تمایلات انسان بر ادراکات حسی فرد اثر می‌گذارد؛ گاهی منشأ بی‌بصیرتی، تمایلات نفسانی است که باعث می‌شود فرد با وجود برخورداری از قوه تفکر نتواند درباره بعضی مسائل به‌درستی فکر کند. آنچه اهل بصیرت را اهل بصیرت و بینایی می‌گرداند، فهم معمولی نسبت به اطلاعات و نشانه‌های رسیده از راه حواس و دیگر ابزارها و منابع شناختی نیست، بلکه دریافتن پیوند پدیده‌ها با هم و نسبت آن‌ها با مسئله مدیریتی ماست. بصیرت در فرهنگ قرآنی نوعی بینایی خاص است که به شخص امکان واکنش مناسب در برابر نشانه‌ها و اطلاعات به‌دست‌آمده را می‌دهد. در تفسیر مفهوم بصیرت میان واقعیت‌ها و حقایق ارتباط تنگاتنگی وجود